

Typology and Functions of Emotional Passages in the Holy Quran¹

Mohammad Hadi Mirzaei¹

Mahdi Motia²

Reza Saadatnia³

1. PhD student in Quran and Hadith Sciences, Isfahan branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

mhm2321@gmail.com / <https://orcid.org/0000-0002-3349-8701>

2. Associate professor of Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology, university of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

m.motia@ltr.ui.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0001-7453-6113>

3. Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Faculty of Quranic Sciences (Daulat Abad), Isfahan, Iran. saadatnia@quran.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0003-3165-9214>

*Scientific
article*

Received

2024-10-29

Accepted

2025-01-11

Keywords

Holy Quran,
Typology,
Emotions,
Emotional
Passages,
Emotional
Impact

Abstract: The Holy Quran contains remarkable instances of emotional content and expression, which facilitate the transmission of its profound meanings to the audience, infuse its verses with extraordinary subtlety, and enhance the impact of its teachings. According to the findings of this study, emotionally charged passages in the Quran enable heartfelt acceptance of religious teachings, resolve intellectual dilemmas related to religious challenges, and can strengthen faith while elevating insight in personal life. The emotional and impactful verses of the Holy Quran can be categorized into various forms, including emotional address, encouraging or deterrent emotional teachings, emotional rhetorical devices, emotionally resonant rhythmic structures, and emotional imagery. Through semantic analysis of Quranic concepts and content analysis of its verses, supported by library resources, this research introduces and categorizes emotional passages in the Quran, highlights diverse emotional aspects, and demonstrates how religious teachings are effectively conveyed through divine emotional expression.

By establishing emotional dialogue and employing a wide range of basic and complex positive and negative emotions, God Almighty elucidates diverse teachings in the Quran, underscoring the significant role of emotional discourse in divine revelation.

DOI: [10.22051/TQH.2025.48755.4292](https://doi.org/10.22051/TQH.2025.48755.4292)

publisher Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

¹ This article is derived from the doctoral dissertation of Mohammad Hadi Mirzaei, titled "A Typology of Emotional Vocabulary in the Qur'an and Its Application in Elucidating and Enhancing the Impact of Religious Teachings," supervised by Dr. Mahdi Muti' and advised by Dr. Reza Sa'adatnia at the Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch.

گونه‌شناسی و کاربرد بخش‌های برجسته‌ی احساسی قرآن کریم^۱

محمد هادی میرزایی^۱ مهدی مطیع^۲ رضا سعادت نیا^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
<https://orcid.org/0000-0002-3349-8701/mhm2321@gmail.com>

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه اصفهان اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
m.motia@ltr.ui.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0001-7453-6113>

۳. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی اصفهان (دولت‌آباد) اصفهان، ایران.
<https://orcid.org/0000-0003-3165-9214/saadatnia@quran.ac.ir>

چکیده: در قرآن کریم، جلوه‌هایی از محتوا و بیان احساسی وجود دارد که

انتقال مفاهیم و معانی ارزشمند قرآنی به مخاطب را تسهیل کرده، لطافت خارق‌العاده‌ای به آیات الهی بخشیده و موجب اثرگذاری معارف قرآنی شده‌است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، فرازهای احساسی قرآن، پذیرش چندجانبه و از جان و دل آموزه‌های دین را ممکن می‌سازد، گره‌های ذهنی مرتبط با چالش‌های دین را باز می‌کند و می‌تواند منجر به افزایش باور و ارتقا سطح بینش در زندگی شود. آیات احساسی و اثرگذار قرآن کریم را می‌توان در گونه‌های خطاب احساسی، آموزه‌های احساسی مشوق یا بازدارنده، آرایه‌های احساسی، نظم‌آهنگ احساسی و تصویرسازی احساسی گستره‌بندی کرد. این پژوهش با معنی‌شناسی مفاهیم قرآنی و تحلیل محتوای آیات قرآن و با استناد به منابع کتابخانه‌ای به معرفی و گونه‌شناسی بخش‌های احساسی قرآن کریم، معرفی جلوه‌های متنوع احساسی قرآن و اثبات اثرگذاری معارف دین به‌واسطه بیان احساسی خداوند متعال پرداخته‌است. خداوند متعال به‌واسطه ایجاد گفتگوی احساسی در قرآن کریم و به‌کارگیری طیف گسترده‌ای از گونه‌های احساسات بنیادی و پیچیده مثبت و منفی، معارف متنوعی را تبیین فرموده که خود، نشان از جایگاه ویژه‌ی گفتمان احساسی در کلام وحیانی دارد.

صص

۱۸۹-۲۱۷

مقاله

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳-۰۸-۰۸

پذیرش:

۱۴۰۳-۱۰-۲۲

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم،
 گونه‌شناسی،
 احساسات،
 فرازهای احساسی،
 اثرگذاری احساسی

[10.22051/tqh.2025.48755.4292](https://doi.org/10.22051/tqh.2025.48755.4292)

DOI

دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

ناشر

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری «محمد هادی میرزایی» تحت عنوان «گونه‌شناسی واژگان احساسی قرآن و کاربرد آنها در تبیین و اثرگذاری معارف دین» است که با راهنمایی «دکتر مهدی مطیع» و مشاوره «دکتر رضا سعادت‌نیا» در «دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)» انجام پذیرفته است.



۱. بیان مسئله

قرآن کتاب زندگی است، یعنی انسان با فهم و عمل به معارف نابش راه سعادت، جایگاهی که برایش خلق شده‌است و در آموزه‌هایش آنچه را خواهد یافت که برای رسیدن به تقرّب الهی بدان نیاز دارد. محور اساسی و ثابت هدایت‌بخشی انبیاء و یکی از لازمه‌های هادی بودن قرآن، ارائه محتوای اثرگذار دینی بر بعد اندیشه و باور بندگان است؛ لذا در جلوه‌های بیانی قرآن کریم، شمه‌ای از محتوای احساسی وجود دارد که موجب دلنشینی و اثرگذاری معارف قرآنی بر افکار و بینش مخاطبان شده و لطافت خارق‌العاده‌ای به آیات الهی بخشیده‌است. اثرگذاری احساسی به شایستگی می‌تواند خلأ و ضعف مرتبط با شخصیت انسان‌ها را سامان بدهد؛ ضعف‌هایی که ناشی از نبود درک صحیح و نگاه مثبت به دین، عناد در رفتار، خطای در نگرش و داشتن ذهن پرمسئله و چالش‌ساز بوده است و به‌واسطه ایجاد انگیزش و شوق در پذیرش، مقدمات درک عمیق‌تر کمالات الهی و آموزه‌های دین را فراهم کند.

مسئله پژوهش این است که شیوه‌های اثرگذاری احساسی آموزه‌های دین، شامل آیات دارای جلوه‌های احساسی و بخش‌های برجسته‌ی احساسی قرآن، مستقلاً شناسایی نشده‌اند و عدم شناسایی آنها باعث می‌شود که تعامل مفسران با آن آیات و استخراج مفاهیم از آنها همه‌جانبه نباشد و گاه برداشت‌هایی دور از مقصود و غرض نزول آیات به دست آید و فهم معنای آیات با مشکلاتی مواجه شود. در واقع اگر آیات احساسی قرآن شناسایی شود انتظار متفاوتی از آنها خواهیم داشت و برداشت‌های تفسیری از آنها متفاوت خواهد شد. لذا یکی از راهبردهای مؤثر، ارزشمند و پرکاربرد در راستای هدایت بشر، وجود جلوه‌های بیانی جذاب و اثرگذار احساسی در قرآن کریم است که به‌واسطه بهره‌مندی از آرایه‌های مختلف لفظی و معنوی، زبان عامیانه را به کلام ادیبانه اثرگذار تغییر داده و موجب آراستگی سخن و برتری کلام خداوند شده‌است.

قرآن کریم توجه ویژه‌ای به تربیت عواطف و احساسات اخلاقی انسان نموده و پرورش احساس فضیلت‌خواهی و قرار گرفتن احساسات انسان در مسیر رضایت خداوند متعال از اهداف بیان احساسی خداوند متعال است (حسینی، ۱۳۹۷،

ص ۱۴). خداوند متعال تأثیرپذیری و احساسی بودن بندگان را یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های مؤمنین در برابر ذکر الهی می‌داند و بیان می‌کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ» (الأنفال: ۲)؛ مطابق با این آیه مؤمنان کسانی هستند که به هنگام ذکر احساسی خاص به نام «وَجِل» در قلب داشته باشند. واژه «وجل» به معنای ترسی است که ناشی از درک عظمت خداوند یا درک مسئولیت‌پذیری در مقابل اوست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۱). خاصیت ویژه‌ای که در جمله «وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ» آمده است به صورت مستقیم با احساس انسان مرتبط است. گاه انسان در برخورد با شخصیتی با عظمت، نوعی هول و هراس یا حالت همراه با اضطراب در خود احساس می‌کند تا جایی که واکنش‌هایی نظیر لکنت زبان یا فراموشی را نیز تجربه می‌کند. این هراس، بازتابی است از یک درک درونی که در فرد رخ داده است. بنابراین واکنش احساسی ترسیدن که تحت عنوان «وجل» در این آیه ذکر شده است، مختص مؤمنان است؛ زیرا ایمان مستلزم دریافت درک بالاتر و متفاوت از دیگران در ارتباط با خداوند است.

عامل دیگری که ضرورت پرداختن به گونه‌شناسی احساسی آیات قرآن را بیان می‌کند، تابعیت عمل‌گرایی انسان متناسب با میزان احساسات اوست. در واقع به میزانی که احساس مثبت در فرد ایجاد شود عملکرد او نیز ارتقا می‌یابد. در قرآن کریم با بیان اینکه تبعیت از پیامبر^(ص) در گرو محبت به خداوند متعال است، به نحوی به اهمیت اثرگذاری احساسی اشاره کرده و حتی محبوبیت، غفران و رحمت الهی را نصیب افرادی می‌داند که احساس محبت به خالق متعال داشته باشند: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران: ۳۱).

از سوی دیگر قرآن کریم احساسات منفی را هم مانعی برای عملکرد انسان می‌داند و هم آن را به عنوان سدّی قوی در مقابل دریافت معارف دین می‌شمرد. چنانچه عده‌ای از مخاطبان حضرت نوح به دلیل احساسات منفی نسبت به ایشان حاضر به شنیدن پیام الهی نبودند: «وَ إِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيَتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَ اسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَ أَصْرُوا وَ اسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا» (نوح: ۷). جمله «جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ» کنایه از نشنیدن و جمله «اسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ» کنایه از تنفر است

(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۴۹) و این دو تعبیر بیانگر احساسات منفی این افراد نسبت به خداوند متعال و حضرت نوح است که در پایان آیه هم با عنوان «استکبار» از ثمره این رفتار و حس یاد شده‌است.

بیان احساسی خداوند متعال غالباً به واسطه واژگان احساسی ایجاد می‌شود، اما جلوه‌ای از اثرگذاری احساسی در آیات قرآن کریم وجود دارد که در آنها از واژگان دارای بار احساسی استفاده نشده است، بلکه اثرگذاری احساسی توسط قسمت‌های خطابی، گزاره‌های توصیفی، محتوای ارائه شده در آیات و یا چهره پیوسته یک بخش برجسته قرآنی محقق می‌شود. این‌گونه از بیان احساسی می‌تواند در گزاره‌های اخباری که خبر از وجود عواطف و احساسات خاص در خداوند می‌دهند یا گزاره‌های انشایی که بیانگر خواست و اراده خداوند هستند، ظهور و بروز داشته‌باشد. گزاره‌های احساسی را می‌توان بر اساس ملاک‌های متنوعی شناسایی و عنوان گذاری کرد، در این پژوهش، مبنای شناسایی گونه‌ها، اثرگذاری غیرمستقیم احساسی است که جلوه احساسی‌اش بدون کاربست واژگان ایجاد شده باشد.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه و بررسی احساسات در قرآن کریم، سابقه‌ای دیرینه در تاریخ علوم قرآن و تفسیر دارد. در علوم مختلف و مرتبط با قرآن کریم مثل ادبیات، اصول فقه، منطق و تفسیر، در ضمن بررسی جنبه‌های بلاغی، علمی، قرائت، اعجاز و سایر پژوهش‌های قرآنی از احساسات مرتبط با خداوند متعال و بیان احساسی او صحبت شده اما نه به صورت اساسی و حول یک محور، بلکه بنابه تناسب محتوا، اشاره‌ای مختصر شده و گذر کرده‌اند. در میان تألیفات و پژوهش‌هایی با موضوعات روانشناسی، رمضان محمد القذافی محقق اهل لیبی در کتاب خود با عنوان *علم النفس الإسلامی حواس را یکی از ابزارهای شناخت برای انسان در دیدگاه قرآنی دانسته‌است*. لطفی الشربینی در کتاب *الاشارات النفسية فی القرآن الکریم* در پرداختن به مبحث سلامت روان، نامی از احساس نیآورده است. عاطف الزین در کتاب دو جلدی *معرفة النفس الانسانية فی الكتاب و السنة*، در فصل کوتاهی با عنوان «الشعور و الاحساس» به بررسی دیدگاه فروید در زمینه هشیار و ناهشیار عاطفی پرداخته‌است. حسین حقانی نیز در کتاب

علم النفس اسلامی و بررسی نظرات دانشمندان غربی اشاره‌ای به مبحث احساس نکرده است و در حوزه علوم مرتبط با روانشناسی اسلامی دانشمدانی همچون عثمان نجاتی، محمد عبدالله الشراوی، محمود البستانی، سید ابوالقاسم حسینی و فاخر عاقل روان‌شناس و نویسنده برجسته عرب که دو دائرةالمعارف از جمله *دائرةالمعارف علوم روان‌پزشکی* را منتشر کرده است، به رویکرد اثرگذاری احساسی آیات قرآن نپرداخته‌اند (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۷۳). بنابراین تاکنون مؤلفان علوم قرآن و تفسیر به تبیین و گونه‌شناسی گزاره‌های احساسی خداوند متعال در قرآن توجه چندانی نداشته‌اند.

پژوهش حاضر در صدد شناسایی و تبیین مبانی و معارف دین براساس اثرگذاری احساسی می‌باشد که علاوه بر استفاده از «روان‌شناسی احساسات» با مطالعه معانی و مفاهیم کلمات قرآنی، به گونه‌شناسی معرفتی گزاره‌های احساسی با رهیافت قرآنی پرداخته‌است. توجه به مبانی احساس و گونه‌شناسی آن با رویکرد اثرگذاری، وجه تمایز این پژوهش با سایر تحقیقات ذکر شده‌است که بنا دارد جلوه‌های احساسی به کاررفته در قرآن کریم را شناسایی و در این راستا، پس از تعریف معنای احساسات و اثرگذاری احساسی، گونه‌های احساسی قرآن را معرفی و کاربست آنها در دین باوری را بررسی کند.

۳. معنی‌شناسی احساسات

احساس یا شَهْش (معین، ۱۳۸۱، ص ۹۰۰)، در لغت به معنای دریافتن، آگاه‌شدن، تصور عمومی یک تجربه یا یک خاطره‌ای است که توضیح آن دشوار باشد. درک چیزی با یکی از حواس نیز احساس نام دارد؛ مانند احساس شنیدن یا بوییدن. محرکات، همواره حواس پنجگانه و سپس بخش‌های مختلف دستگاه عصبی مرکزی را تحریک می‌کنند؛ لذا از دیدگاه نظری، هر آنچه که از حواس جسمی یا عاطفی ایجاد می‌شود و مشمول حس کردن باشد، احساس نامیده می‌شود (www.verywellmind.com). احساسات تحریکات فیزیولوژیکی بدن را تغییر می‌دهند، حتی تحریکات احساسی بیش از اندازه یا دائماً ضعیف، می‌توانند بازدهی فرد را کاهش دهند و روی فکر و رفتار اشخاص تأثیرات منفی یا مثبت داشته‌باشند (کارلسون، ۱۴۰۲). این دیدگاه

نسبت به اثرگذاری احساسی، در آموزه‌های قرآنی نیز بیان شده است. خداوند متعال در آیه شریفه «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَابًا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضَلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (الزمر: ۲۳)، ضمن تصریح به بهترین سخن بودن قرآن، به تبیین فرآیند اثرگذاری احساسی در قرآن پرداخته است. واژه «تقشعر» به معنای لرزه و «اقشعر» جلده» به معنای لرزش پوست و منقبض شدن، چروکیده شدن و سخت و خشن شدن آن است. همچنین این واژه به معنای دگرگون شدن رنگ، و راست شدن موی بدن از فرط ترس یا سرما و نیز به معنای فراگرفتن لرزه‌ای بر بدن است که به واسطه ترس، در اثر شنیدن خبر و یا دیدن صحنه‌ای دهشت‌آور دست می‌دهد؛ چنانچه عبارت «هذا شيءٌ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ الْأَبْدَانُ»: یعنی این چیزی است که بدن‌ها از آن به لرزه درمی‌آید (بستانی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲). براین اساس، اثرپذیری انسان در اثر شنیدن آیات قرآن، بدین خاطر است که خود را در برابر عظمت پروردگارش مشاهده می‌کند و متوجه ساحت عظمت و کبریایی او گشته و خشیت بر دلش احاطه می‌یابد. واژه «تَلِينُ» به دلیل تعدی با حرف «إِلَى»، متضمن معنای سکون و آرامش است. بنابراین معنای این آیه، آن است که پس از منقبض و دگرگون شدن پوست‌ها از خشیت خدا، بار دیگر پوست بدنشان نرم می‌شود و دل‌هایشان آرامش می‌یابد، زیرا خدا را یاد می‌کنند و با همان یاد، آرامش می‌یابند. این تعبیر به روشنی، اثرپذیری ظاهری احساسات در انسان را اثبات می‌نماید. نکته جالب توجه آنکه، جمله ابتدایی آیه مذکور، به لرزش پوست اشاره دارد و از قلب سخنی به میان نمی‌آورد؛ زیرا مراد از «قلوب» جان‌ها و نفوس است و جان، چروکیدگی و لرزش «اقشعرار» ندارد؛ بلکه عکس‌العمل جان‌ها در برابر قرآن، همانا خشیت و ترس است، اما نرم شدن برای پوست و قلب به کار رفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۹۰). این توصیف از اثرگذاری احساسی برای انسان در آیات قرآن، نشان‌دهنده واقعیتی در خلقت بشر است که توسط خداوند متعال معرفی شده و می‌تواند مبنایی برای اثبات یا رد نظریه‌های جدید دانشمندان علوم انسانی در علوم روان‌شناسی باشد. یکی از این پژوهش‌ها، نظریه موقعیت‌های هیجان‌انگیز است که توسط دو

روانشناس مطرح به نام‌های ویلیام جیمز^۱ و کارل لانژ^۲ ارائه و تشریح شده است. این دو پژوهشگر هر کدام به طور جداگانه، در علم روان‌شناسی تحقیق می‌کرده و بدون اطلاع از دیدگاه قرآنی، به صورت تجربی و به واسطه بررسی شاخصه‌های انسانی، تبیین‌های یکسانی برای حالت‌های احساسی بشر ارائه نموده و نظریه‌ای را معرفی کرده‌اند که از آن با نام «نظریه جیمز-لانژ» یاد می‌شود. بر پایه این نظریه، موقعیت‌های هیجان‌انگیز یا احساسی، سبب برانگیختن پاسخ‌های فیزیولوژیکی ویژه‌ای مانند، لرزیدن، عرق کردن، افزایش ضربان قلب، گره کردن مشت یا فریاد زدن می‌شود. مغز از عضلات و اندام‌هایی که این واکنش‌ها را ایجاد می‌کنند، پس‌خوراند حسی دریافت کرده و این پس‌خوراند است که احساس مربوط به هیجان را به وجود می‌آورد. جیمز معتقد است احساس‌های هیجانی و پس‌خوراند حسی برآمده از عضلات آدمی، مبتنی بر دریافت اندام‌های درونی، عملی که از آن سر می‌زند و پس‌خوراند حسی‌ای است که از عضلات و اندام‌های درونی دریافت می‌کند. بنابراین هنگامی که آدمی، خود را در حال لرزیدن و حالت تهوع می‌یابد، ترس را تجربه می‌کند (کارلسون، ۱۴۰۲) طبق نظریه ویلیام جیمز و کارل لانگه، افراد تغییرات فیزیولوژیکی ناشی از تأثیر احساسات را ثبت می‌کنند و آنها را به صورت احساس و عاطفه بروز می‌دهند.

احساسات را می‌توان در گونه‌های احساسات درونی بنیادی، پیچیده، عاطفی و جسمانی دسته‌بندی کرد. احساسات اساسی، ذاتی و فطری هستند و در همه انسان‌ها وجود دارند. احساسات پیچیده ترکیبی از دو یا چند احساس اساسی هستند؛ مثل عشق، نفرت، حسادت، شرم و گناه. احساسات مثبت به انسان حس خوب و خوشایندی می‌دهند؛ مثل شادی، آرامش، رضایت و امید و احساسات منفی به انسان حس بد و ناخوشایندی می‌دهند؛ مثل غم، خشم، ترس، اضطراب و ناامیدی. احساسات عاطفی مثل نفرت، حسادت، دلسوزی و همدردی با روابط انسان‌ها مرتبط هستند و احساسات جسمانی؛ مثل درد، لذت، گرسنگی، تشنگی و خستگی با حالات

1. William James.

2. Carl Lange.

فیزیکی بدن انسان ارتباط دارند (Plutchik, 2002). منظور از بخش‌های برجسته احساسی، آیاتی از قرآن هستند که به واسطه اثرگذاری احساسی پیرامون موضوع مورد پذیرش شخص، در راستای ایجاد، ارتقا یا اثبات باورها و رفتارهای مطلوب دینی نقش آفرینی می‌کنند.

۴. انواع بخش‌های برجسته‌ی احساسی اثرگذار در قرآن

۴-۱. خطاب‌های احساسی خداوند متعال

خداوند متعال در قالب گفتگوی اثرگذار با پیامبران و بندگان صالحش با جملاتی که دربردارنده محتوای احساسی است، مخاطبه و خودش را معرفی کرده است؛ مانند: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي» (طه: ۱۴)، «إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (النمل: ۹)، «يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (القصص: ۳۰)، «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ» (طه: ۱۲). خداوند متعال در این آیات به نوعی ارتباطی همراه با احساس آرامش و انس برقرار کرده و خودش را در فضایی احساسی و با القای اطمینان در قلب معرفی می‌کند و یا آیات شریفه «وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي» (طه: ۴۱)، «وَوَلِّصْنَعُ عَلَيَّ عَيْنِي» (طه: ۳۹) که بیانگر اوج ارتباط عاطفی و سرشار از اثرگذاری احساسی می‌باشد؛ زیرا: «الصُّنْعُ» یعنی کاری را به شایستگی انجام دادن و کلمه «اصطناع» باب افتعال از «صنع» به معنی اتخاذ خیر و خوبی، تربیت و اختیار برای صاحبش به کار می‌رود و «اصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي» (طه: ۴۱) یعنی من تو را به واسطه خوبی و لطف و محبتی که دارم برگزیدم و «ی» در «لنفسی»، به معنای اراده ابراز احساس عشق و محبت و توجه است و مقصود از «لنفسی»، محبت اوست، زیرا محبت خاص‌ترین حالت متعلق به نفس است، بنابراین شایسته است کسی را که به او توجه و محبت ویژه‌ای داریم به نفس خود نسبت بدهیم^۱ (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۷۵). یعنی: ای موسی تو را برای خودم

۱. و قوله «وَاصْطَنَعْتُكَ» أي اصطفتك أخلصتك بالالطاف التي فعلتها بك، اخترت عندها الإخلاص لعبادتي. و قوله «لنفسی» ي لتصرف على ارادتي و محبتي يقال: اصطنعه يصطنعه اصطناعاً، و هو (افتعال) من الصنع، و الصنع اتخاذ الخير لصاحبه. و وجه قوله «لنفسی» يعني محبتي، لان المحبة لما كانت أخص شيء بالنفس حسن أن يجعل ما اختص بها مختصاً بالنفس على هذا الوجه.

و اینکه رسول من باشی تربیت کردم. هر دو آیه اخیر درباره تربیت حضرت موسی^(ع) و تمثیلی برای نشان دادن عطیه‌ای از جانب خداوند متعال است که نوعی کرامت، تقرب و احسان است که به حضرت موسی اعطاء شده است^۱ (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۲۰۸). پس وقتی گفته می‌شود «فلانی فلان را اصطناع کرد» معنایش این است، آن قدر به وی احسان کرد که وی را به او نسبت می‌دهند و می‌گویند: این صنیع فلانی و نمک پرورده او است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۱۹۳). برگشت معنای اصطناع موسی^(ع) به این است که خداوند متعال او را برای خود اختصاص داد، و معنای آن این است که من تو را خالص برای خودم قرار دادم و همه این نعمت‌هایی که در اختیار تو است، از من و احسان من است و غیر من کسی در آن شرکت ندارد؛ پس تو خالص برای منی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۱۲) و یا آیه شریفه «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق: ۱۶) سرشار از احساس آرامش و مهربانی و اطمینان قلب خداوند متعال برای بنده است و معنای این آیه این است که ما انسان را خلق کردیم و همواره تا هستی او باقی است، از خاطرات قلبیش آگاهییم و همواره از رگ قلبش به او نزدیک‌تریم؛ بنابراین مفید ثبوت و دوام و استمرار محبت الهی نسبت به وجود انسان خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۵۱۸). خطاب قراردادن بندگان، توسط خداوند متعال از جذاب‌ترین گونه‌های اثرگذار است که به واسطه پرورش احساسات، دل‌ها را برای پذیرش سخن و قبول دین آماده می‌کند.

۴-۲. آموزه‌های احساسی مشوق یا بازدارنده (مثبت یا منفی)

معرفی و تبیین معارف ناب دین اسلام، شناخت صفات خداوند متعال، احکام مبتلابه زندگی مؤمنانه، ویژگی‌های بندگان و بایسته‌های روابط خانوادگی و اجتماعی از جمله آموزه‌های دین هستند که در قالب گزاره‌های بلند و توصیفات احساسی با رویکرد شوق به فراگیری، تسهیل در آموختن و تسریع در انجام یا ایجاد بازدارندگی و مانع به منظور عدم انجام، در قرآن کریم تبیین شده‌اند. تبیین آموزه اعتقادی و اصل معاد در آیه شریفه «إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ

۱. «هذا تمثيل لما أعطاه الله من منزلة التقريب والتكريم والاصطناع: افتعال من الصنعة وهي العطية والكرامة والإحسان».

كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهُ بِئْسَ الشَّرَابُ وَ سَاءَتْ مُرْتَفَقًا» (الکھف: ۲۹) که محتوایش سرشار از القاء احساسات است و حس منفی ترس و اضطراب را منتقل می‌کند. علاوه بر توصیف فضای نگهداری گنهکاران، به تصویر کشیدن نوشیدنی گداخته و کنده شدن و سوختن پوست، اثرگذاری فوق‌العاده احساسی‌ای را به نمایش گذاشته است و گزاره «اگر از شدت عطش شربت آبی درخواست کنند، آبی همانند مس گداخته سوزان به آنها دهند، که صورتشان را بسوزاند و آن آب بسیار بد شربتی و (آن دوزخ) بسیار بد آسایشگاهی خواهد بود»، نقطه اوجی از اثرگذاری احساس ترس را پدید آورده است و یا تبیین آموزه دینی اطمینان و توکل بر خداوند متعال و امید به آینده روشن ذیل اطاعت‌پذیری به واسطه توصیف روحیات و احساسات مادرانه نسبت به فرزند، در آیات «وَ أَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَي قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» و «وَ قَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَ هُم لَا يَشْعُرُونَ» (القصص: ۱۰ و ۱۱) و آیه «إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ» (طه: ۴۰) که بیان می‌کند مادر حضرت موسی (ع) هنگام تولد فرزندش، با الهام الهی، او را در صندوقی گذاشت و در رود نیل انداخت، شدت اضطراب و نگرانی مادر نسبت به فرزند به نحوی توصیف شده است که به خوبی‌گویای عاطفه مادر و فرزند است. در حقیقت بیان حالات احساسی اضطراب و نگرانی و غم از دست دادن موسی و شادی و چشم روشنی از بازگشت او، نمایانگر وجود این احساسات است و یا نشان دادن آینده و سرنوشت زندگی افراد توأم با طغیانگری و عدم همراهی با پیامبر خدا و رفتار خلاف آموزه‌های دین به واسطه توصیف احساسات پدر و فرزند در حکایت داستان حضرت نوح (ع) است که وقتی در زمان او طوفان شد و مردم در شرف هلاکت قرار گرفتند، به فرزندش گفت: «يَا بُنَيَّ اذْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» (هود: ۴۲). این دعوت که حضرت نوح از فرزندش می‌کند، غیر از دعوتی است که او تاکنون از مردم کرده بود. او سالیان دراز، بیش از نهمصد سال، مردم را به دین، دعوت کرده بود؛ ولی مردم با او مخالفت و دشمنی کرده بودند تا آنجا که نوح از آنان ناامید شده بود. اما اکنون که فرزندش را در حال غرق شدن می‌بیند، با اینکه از دعوت مردم ناامید شده، احساسات خاص پدر

و فرزندی او را وامی دارد تا از فرزندش با اصرار بیشتری بخواهد از کفار کناره‌گیری کند و همراه مؤمنین سوار بر کشتی شود. حتی بار دیگر، هنگامی که دید فرزندش در آب فرو می‌رود، از خدا خواست نجاتش دهد «وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِن وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» (هود: ۴۵) و خداوند متعال، در پاسخ به نوح فرمود: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (هود: ۴۶) که خداوند متعال در این آیات با بهره‌گیری از توصیف احساسات خاص پدر و فرزندی در حضرت نوح و به‌واسطه توجه ویژه او نسبت به نجات فرزند خویش، احساسات او را پرورش داده و آموزه‌های متعددی از جمله توکل و اطمینان و اعتماد نسبت به خداوند متعال در فراز و فرود زندگی و عدم مصونیت از عذاب الهی در صورت خطاکار بودن و عدم توبه را تبیین کرده است، حتی اگر نزدیک‌ترین رابطه و نسبت را به اولیاء و انبیاء الهی داشته باشی (مصباح یزدی، ۱، ۳۹۴، ج ۲، ص ۳۳۰-۳۳۳).

۴-۳. آرایه‌های احساسی

آرایه‌های احساسی قرآن کریم، یکی از جلوه‌های زیبایی این کتاب آسمانی است که در واقع همان ویژگی فصاحت، بلاغت و به کار بستن فن بدیع یا صناعات ادبی دیگر در قرآن کریم است که در ضمن اشاره به معانی ثانویه آیات قرآن کریم، دارای اثرگذاری احساسی می‌باشد. بلاغت، در لغت به معنای شیوایی، رسایی و سخنوری است و در اصطلاح، کلامی بلیغ است که با وجود فصاحت لفظ و کلام، شیوا سخنی و رسایی، با مقتضای حال مخاطب مطابقت داشته‌باشد. (هاشمی، ۱۳۹۵، ص ۳۶) ویژگی خاص و ذاتی آرایه‌های ادبی و بلاغی «تأثیرگذاری» است، بنابراین سخنی را بلاغی می‌گویند که بر دل‌ها بنشیند و قدرت تأثیر داشته‌باشد؛ یعنی در احساسات شنونده تصرف کند و گوینده با سحر کلامش بتواند شنونده را ترغیب و با خود موافق سازد که در پرتو به‌کارگیری آرایه‌های لفظی و معنوی، صنایع بدیعی و علم معانی و بیان به بار می‌آید (سکاکی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۷۵-۷۶). این آرایه‌ها، با استفاده از ابزارهای زبانی و بلاغی مختلف، به مخاطب کمک می‌کنند تا مفاهیم عمیق و معنوی را درک کند و با آن‌ها ارتباط عاطفی و روحی برقرار کند، زیرا بسیاری از صناعات ادبی علاوه بر نقش‌آفرینی در جلوه‌های گوناگون موضوعی قرآن، دارای اثرگذاری

احساسی و انتقال‌دهنده احساسات نیز می‌باشند. خداوند متعال با مخاطبان قرآن در مقام انکار و تردید سخن می‌گوید و از شیوه‌های بلاغی و صناعات ادبی متعددی با رویکرد اثرگذاری احساسی استفاده کرده است. این آرایه‌های احساسی در اسلوب‌های تکرار، تقابل، مبالغه، تشبیه، تمثیل، استعاره، سؤال، سوگند و... به صورت مکرر به کار رفته‌اند که به معرفی و شرح دو مورد از آرایه‌های اثرگذار احساسی قرآن بسنده می‌شوند:

۴-۳-۱. تکرار و تأکید

یکی از بهترین اسلوب‌های فصاحت، بلاغت و بدایع قرآن، صنعت «تکرار و تأکید» است که در افاده‌ی مفاهیم و مضامین مورد نظر نقش اساسی دارد. تأکید عبارت است از تثبیت و تمکین یک معنی و مفهوم در ذهن مخاطب و تقویت و تعمیق آن برای رفع هرگونه شک و تردید و ابهام نسبت به آن معنا و مفهوم مورد نظر، با بهره‌گیری از ادوات و کلمات و اسلوب‌های خاص بیانی (فاضلی، ۱۳۸۲، ص ۵۵۳). اسلوب تکرار، ملموس‌ترین، کلی‌ترین و مهم‌ترین شیوه تأکید است که در نحو عربی، آن را تأکید لفظی می‌گویند و می‌توان آن را به کلمات مرکب، جمله و جمله‌واره تعمیم داد (فرشیدورد، ۱۳۶۳، ص ۳۹۹). تأکیدهای لفظی مکرر، گاهی موجب هول و هراس بیشتر مخاطب و منتقل‌کننده احساسات متنوعی می‌شود، احساس محبت و انس همراه با مدح در آیه «وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» (الواقعه: ۱۰)، احساس ترس به واسطه وعید و تهدید در آیات «الْحَاقَّةُ، مَا الْحَاقَّةُ، وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ» (الحاقة: ۱-۳)، احساس ترس و دلهره در آیات: «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا، وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا» (الفجر: ۲۱-۲۲)؛ «وَ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ» (طه: ۷۸) «وَ لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ» (الزمر: ۱۶) و احساس تعجب در آیه «إِنَّهُ فَكَّرَ وَ قَدَّرَ، فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ، ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ» (المدثر: ۱۸-۲۰)، از جمله نمونه‌های اثرگذاری احساسی صنعت تکرار در قرآن کریم است.

۴-۳-۲. مبالغه

مبالغه در لغت به معنای به نهایت رساندن، فرا گرفتن و غلو کردن در چیزی است و در اصطلاح آن است که سخن‌دان بنا بر تزئین کلام، در وصف چیزی غلو نماید؛ و آن را به مرتبه‌ی عالی و درجه‌ی قصوی برساند. (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۱۳) یکی از مصادیق اثرگذاری احساسی به واسطه کاربست آرایه مبالغه، آیه شریفه «وَأَشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلُ» (البقره: ۹۳) است، کلمه «اشربوا» از ماده «اشراب» به معنای نوشانیدن است و مراد از «عجل»، «محبث عجل» است، که خود عمل در جای محبت نشسته، تا مبالغه را برساند و بفهماند گانه یهودیان از شدت محبتی که به گوساله داشتند، خود گوساله را در دل جای دادند و بنابراین جمله «فی قلوبهم» که جار و مجرور است، متعلق به همان کلمه حب تقدیری خواهد بود. پس در این کلام دو جور استعاره و یا یک استعاره و یک مجاز به کار رفته است (یکی گذاشتن عجل به جای محبت به عجل و یکی نسبت نوشانیدن محبت با اینکه محبت نوشیدنی نیست). این کاربست بیانگر شدت احساس علاقه و محبت به گوساله پرستی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۳۶). مصداق دیگر اثرگذاری آرایه احساسی مبالغه، در آیه «إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ» (الأحزاب: ۱۰) محقق شده است، با اینکه در کلام برخی از مفسران این آیه حمل بر حقیقت شده (ابن جزی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۴۷) و برخی کنایه (مغنیه، ۱۴۲۵ق). اما بعضی دیگر آن را مبالغه (ابوحیان، ۱۴۲۵ق، ج ۸، ص ۴۵۸) دانسته‌اند و با لحاظ این دیدگاه، دو وصف کجی چشم و رسیدن جان‌ها به گلو، که به زیبایی با بیان مفهوم قلبشان به حنجرشان رسید، منتقل شده، کنایه‌ای از کمال چیرگی احساس ترس بر آدمی است و یعنی مسلمانان در آن روز آن قدر ترسیدند که به حال جان‌دادن افتاده و در آن حال چشم تعادل خود را از دست دادند و جان به گلوگاه رسیده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۴۲۸).

۴-۴. نظم‌آهنگ احساسی

یکی از جنبه‌های مطرح اثرگذاری احساسی، نظم‌آهنگین بودن و آهنگ بیانی قرآن است. مراد از نظم‌آهنگ قرآن، آهنگ خاصی است که از نحوه چینش، تغییر وزن و ریتم، تناسب ساختار و هماهنگی در آوای حروف، عبارات و کلمات قرآنی در کنار

هم، گزینش واژگان مناسب، تقدیم و تأخیرها در کلام و در نظر گرفتن تناسب صفات و ویژگی‌های آوایی حروف مانند: ترنم و غُنه در پیام مورد نظر پدید می‌آید به‌گونه‌ای که موجب ایجاد نظم‌آهنگ متوازن شده و برای شنونده، لحن دلنشین و نغمه‌ای دلپذیر پدید می‌آورد، الفاظ قرآن را روان و شیوا می‌سازد، ارتباط بسیار دقیق با معانی و مقاصد آیات و سوره‌ها دارد و موجب اثرگذاری عاطفی و احساسی بر مخاطب می‌شود. جنبه نظم‌آهنگ قرآن افزون بر تأثیری سح انگیز بر وجدان و احساسات مخاطب، بر قوه خیال تأثیر گذارده و تصویری از آنچه می‌شنود در ذهن و خیال او متناسب با پیام آیات ترسیم می‌کند؛ آیه «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ» (فصلت: ۲۶)، نشان‌دهنده اعجاز تأثیری قرآن در نفوس مخاطبان و رویارویی آنان با این بُعد از اعجاز قرآن است (سید قطب، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۱۹-۲۱). نظم‌آهنگ واژگان قرآن، نغمه‌ای دل‌کش و نوایی دل‌پذیر پدید می‌آورد؛ نوایی که احساسات آدمی را برمی‌انگیزد و دل‌ها را شیفته‌ی خود می‌کند (صبحی‌الصالح، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۳۴). نظم بدیع و شیوایی صوتی آیات قرآن، نظامی را به وجود می‌آورد و حرکات و سکانات واژگان به‌شکلی آرایش شده‌است که به‌هنگام شنیدن، آوایی دل‌نشین به گوش می‌رسد، آوایی که شوری در دل‌ها می‌اندازد و نشاطی در جان‌ها می‌دمد. آهنگ و موسیقی قرآن اثر غیرقابل وصفی بر شنونده دارد؛ زیر و بم و لرزش، که در زبان موسیقی بلاغت صدا می‌نامند، باعث خلجان‌ات روحی می‌شود و برانگیزاننده احساسات آدمی است که در هنگام تلاوت قرآن، آهنگ درونی آن کاملاً حس می‌شود. این آهنگ در سوره‌های کوتاه با فاصله‌های نزدیکش و به‌طور کلی در تصویرها و ترسیم‌ها بیشتر نمایان است و در سوره‌های بلند کمتر، اما همواره نظم‌آهنگ آن ملحوظ است (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷). در نظام موسیقایی قرآن، حرکات، بسیار حساب شده و متنوع تقسیم شده و در لابه‌لای آن مدّها و غُنه‌ها به‌گونه‌ای شگفت‌آور و متعادل توزیع شده‌است که به ترجیع یا غنه گردانیدن صدا کمک می‌کند و سبب تجدید نشاط شنونده می‌شود. هنگامی که جواهر حروف قرآن به‌طور صحیح از مخرج ادا شود و به گوش برسد، نظم حروف قرآن و چینش در کنار هم و ترتیب نظام‌یافته آیات، ویژگی‌هایی متنوع را پدید می‌آورد که موجب اثرگذاری

احساسی می‌شود. در حالی که حرفی، کوبنده است، حرفی دیگر دارای کشش صوت است، حرف سوم آوایی نرم و ملایم دارد، حرف دیگر صدای بلند و آشکار تولید می‌کند و حرفی دیگر به گونه‌ای است که نفس روی آن می‌لغزد و به همین شکل هر حرفی از صفتی مناسب برخوردار و مجموعه‌ای هماهنگ و متناسب را پدید آورده است. (دراز، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۰۲). برای مثال در سوره المزمّل می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ، قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا، نَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا، أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا، إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا، إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا، إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا، وَ ادْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَتْتِيلًا، رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا، وَ اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا، وَ ذَرْنِي وَ الْمُكَذِّبِينَ أُولَى النَّعْمَةِ وَ مَهْلَهُمْ قَلِيلًا، إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَ جَحِيمًا» (المزمّل: ۱-۱۲) تا آخر آیات که این فاصله‌ها تقریباً وزنی مساوی دارند و قافیه نیز در آن رعایت شده است؛ اما نه براساس نظام عروض عرب و این هر دو به علاوه ویژگی دیگری است که مانند وزن و قافیه ظاهر نیست و از همسازی حروف واژگان و هماهنگی کلمات در درون جمله‌ها یک ریتم و نظم‌آهنگ پدید آورده است. نظم‌آهنگ در اینجا به پیروی از نظام موسیقایی جمله، نه کوتاه است و نه بلند و طولی میانه دارد که احساس آرامش را متناسب با معنای آیات منتقل می‌کند، تمام این ویژگی‌ها لمس‌شدنی است و در برخی فاصله‌ها بسیار نمایان‌تر است.

از دیگر نمونه‌های نظم‌آهنگ خاص و متناسب با مضمون آیات که نوع خوانش آیات را متفاوت می‌کند و باعث اثرگذاری احساسی می‌شود، وجود جمله‌های کوتاه و تند و توالی افعال است، مانند «فَكَذَّبَ وَ عَصَى، ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَى، فَحَشَرَ فَنَادَى» (النزعات: ۲۱-۲۳) که برای شتاب دادن به حوادث و القاء‌کننده احساس خشیت در فضای تند و پرشتاب این سوره است (راغب، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۵۶)؛ و یا ریتم تند، سریع و کوبنده در آیات «وَ الضُّحَى، وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَى، مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى، وَ لِلْآخِرَةِ حَيِّضٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى، وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (الضحی: ۱-۵) و سبک آرام و نرم آیات «وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا، فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا، فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا، فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا، فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا» (العدایات: ۱-۵) (راغب، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸)؛ و قافیه واحد و موسیقی یگانه‌ی آیات «وَ الشَّمْسِ وَضُحَاهَا، وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاها، وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا، وَ اللَّيْلِ

إِذَا يَغْشَاهَا، وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا، وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا، وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (الشمس: ۱-۱۰) که آغاز سوره متضمن احساساتی قابل درک است که از پدیده‌های عالم طبیعت سرچشمه گرفته و به‌منزله چهارچوبی بر یک حقیقت بزرگ است که سوره شمس آن را در خود جای داده است، یعنی حقیقت نفس انسانی و استعدادهای فطری آن و نقش انسان درباره خودش، حقیقتی که انسان را با عالم طبیعت پیوند می‌دهد (سید قطب، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۱۵-۳۹)؛ و یا موسیقی عظیم و ترسناک و عمیق سوره تکاثر که همانند صدای بیم دهنده‌ای ایستاده بر مکانی بلند است که بانگ برمی‌آورد و بر سر غافلان خواب زده و مستان سربه‌هوا فریاد می‌زند که بر آتش جهنم مشرف‌اند و چشمانشان بر روی حقیقت بسته است، که «أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ، حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (التكاثر: ۱-۲) (سید قطب، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۳۹-۶۲). در این آیات به‌کار بردن لفظ «مقابر» به جای «قبور»، موجب می‌شود همگونی لفظی میان «مقابر» و «تکاثر» مراعات شود و این همگونی آهنگ و انسجام موسیقی سبب اثرگذاری احساسی کلمات می‌شوند (بنت الشاطی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۹۳)؛ و یا بیان توفان سهمگین و هولناک زمان حضرت نوح «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ» (هود: ۴۴) که متناسب با معنای آیه، آهنگ حروف و کلمات نیز از فراز و فرود و شدت و نرمی برخوردار می‌شود؛ جمله آهنگین که درباره فرمانبرداری پیامبران سخن می‌گوید: «إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (مریم: ۵۸)؛ یا آن لحن و آهنگ وحشتناک که دیدار با خداوند را در روز قیامت توصیف می‌کند: «وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا» (طه: ۱۱۱)؛ آهنگ دلنشین و شیرینی که خداوند متعال با آن پیامبر رحمت، محمد (ص)، را مورد خطاب قرار می‌دهد و دل‌ها را مُسَخَّر می‌کند: «طه، مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى، إِلَّا تَذَكُّرَةً لِمَنْ يَخْشَى، تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى، الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى، وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى، اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (طه: ۱-۸). اما هنگامی که قرآن به سخن از جانیان و عذابی می‌پردازد که برای آنان در نظر گرفته شده، لحن آن چنان در گوش‌ها

طنین می‌اندازد، گویی واژگان، سنگ‌های سختی‌اند که پرتاب می‌شوند: «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ، تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ» (القمر: ۱۹-۲۰)؛ ولی زمانی که ملائکه تسبیح گویان از خداوند برای مؤمنین طلب مغفرت می‌کنند، واژگان، بسان دُرهای درخشان، نمایان می‌شوند «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» (غافر: ۷)؛ اما هنگامی که از روز قیامت سخن به میان می‌آید، از کلمات ناآرام و عصبی و عبارات مقطع، هول و هشدار می‌بارد «وَأُنذِرُهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينٍ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ» (غافر: ۱۸)؛ سپس نوبت به گلایه می‌رسد و چه گلایه‌ای که سودی ندارد «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ رَبِّكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ، فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» (الانفطار: ۸-۶)؛ و زمانی هم مژدگانی داده می‌شود، ملائکه به مریم مژده می‌دهند که حضرت مسیح متولد خواهد شد «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران: ۴۵)؛ و فریادی با کلمه‌ای عجیب مانند دشنه فرود می‌آید «فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ، يَوْمَ يَفُزُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ، وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ، لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ» (عبس: ۳۳-۳۷) (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۳۸۰)؛ و یا آیات سوره‌های معارج و نوح و الجن... که همگی از نمونه‌های دیگر اثرگذاری احساسی به واسطه نظم‌آهنگ آیات قرآن کریم می‌باشند.

۴-۵. تصویرسازی احساسی

تصویر در لغت به معنای صورت و شکل قرار دادن یا نقش کردن و رسم کردن چیزی می‌باشد (دهخدا، واژه‌ی تصویر). و تصویر ادبی شامل عبارات و الفاظی است که ادیب به وسیله آنها اثر ادیبانه‌اش را می‌آفریند و در عین حال شامل خیالی است که در نتیجه آن احساسات پرورش یافته و عاطفه‌های قوی به وجود می‌آید (خفاجی، بی‌تا، ص ۴۶). تصویر و تصویرسازی یکی از ابزارهای تأثیرگذاری بر افکار عمومی است که به واسطه ترسیم تصویر حسی - خیالی، معانی ذهنی، حالت‌های روانی و بهره‌گیری از صحنه‌های دیدنی، آرمان‌های انسانی و طبیعت بشری ایجاد می‌شود (سید قطب، ۱۹۳۹م، ص ۵۹). گاهی برخی مضامین قرآنی، جز با تصویرگری نمود پیدا نمی‌کنند

و مناسب‌ترین روش در آشکار کردن مقصود و تأثیرگذاری بر مخاطب، همین ابزار تصویر است (قاسمی، ۱۳۸۶، ص ۶۳). از این‌رو خداوند متعال در قرآن کریم برای بیان و انتقال محتوای دین، با ترسیم دقیق حقایق در تصاویر و صحنه‌هایی زنده، معانی و مفاهیم انتزاعی، حالات روحی و درونی انسان‌ها را برایشان محسوس نموده است و با تصویرسازی، معارف ژرف و عمیق خود را در سطح فهم بشر عرضه داشته است. تصویرگری قرآن، چنان زیبا و روشن در قالب واژگان، مفاهیم بلند و فرا مادی را به تصویر می‌کشد که گویی شخص، خود را در آن محیط احساس می‌کند و با ذهن خویش آن را می‌بیند (صالح زاده، ۱۳۹۰)، مانند آیه «قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَ لَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» (مریم: ۴) که با جلوتر آوردن کلمه «رب»، برای درخواست حضرت زکریا زمینه‌چینی کرده که گفت: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» و در قالب تمنا، دریای رحمت خداوند متعال را به خروش آورده و همزمان با القاء احساس امید، مقدمات دعا را فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۷). عبارت «وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا» معنایش این است که سفیدی موی در سر من منتشر شده، آن چنان که شعاع آتش منتشر می‌شود، و منظور از شعاع آتش همان زبانه آن است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۵۰۱) و در بردارنده حس حسرت و دلسردی می‌باشد که بارقه‌هایی از احساس انگیزه و شوق را در نهان دارد. بنابراین خداوند متعال به واسطه این تصویرسازی، معنی ساده گذر عمر و کهولت سن را در لایه‌ای از احساس رحمت و امید توأمان با حسرت، دلسردی و شوق بیان کرده و با حرکت بخشی سریع به شیء جامد، تصویری به‌یادماندنی خلق کرده که این تصویر قرآنی در تأثیر بر مخاطب خود به اوج رسیده و منجر به اثرگذاری ویژه‌ای شده است (عرفت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۶-۹). از دیگر نمونه‌های تصویرسازی احساسی در قرآن، به کار بستن واژگانی برای سوگند یاد کردن خداوند متعال به شب و روز در آیه «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ وَ الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» (التکویر: ۱۸ و ۱۷) می‌باشد. استفاده از کلمه «عسعس» با چهار حرفش، شب را در هاله‌ای از احساس آرامش و سکون، با همه آنچه در آن است به تصویر کشیده است؛ سپس در آیه بعدی نور فجر دیده‌می‌شود که ترنم آواز پرندگان را تداعی

و همزمان، آهنگ آرامی را به گوش می‌رساند و موجب پرورش احساس امید و شوق می‌شود.

از گسترده‌ترین و پربارترین تصویرسازی‌های قرآنی، تصویرهای مربوط به روز قیامت است. البته غالباً صحنه‌های بهشت و جهنم در برابر هم نمایش داده می‌شوند تا مقایسه بین آن دو، موجب پرورش حس امید و یا ایجاد بیم و هراس در او شده و به وضوح در معنی آیات کمک کند. از نمونه‌های اثرگذار احساسی در موضوع قیامت، آیه «وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ، سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعِجَازٌ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ» (الحاقه: ۶-۷) است که از لابه‌لای آیات، احساس اضطراب و دلهره با تصور وزش بادهای شدید و پراکنده شدن تنه نخل‌های توخالی به گوش می‌رسد و سرزمین ویران شده قوم عاد تصویرسازی می‌شود. کلمه "قارعة" به‌عنوان یکی از اسامی قیامت در آیه «كَذَّبَتْ ثَمُودٌ وَ عَادٌ بِالْقَارِعَةِ» (الحاقه: ۴)، تصویری شگفت‌آور و احساسی را تداعی می‌کند. قارعه یعنی کوبنده؛ زیرا آسمان‌ها و زمین را بهم می‌کوبد و به آسمان و زمینی دیگر تبدیل می‌کند، کوه‌ها را به راه می‌اندازد، خورشید را تیره و ماه را منخسف می‌کند، ستارگان را می‌ریزد و تمامی اشیا به قهر خدای تعالی دگرگون می‌شوند و قرآن به همه اینها ناطق است، چیزی که هست مقتضای ظاهر کلام این بود که بفرماید: «كذبت ثمود و عاد بها»، عاد و ثمود به آن تکذیب کردند، ولی به‌جای ضمیر، کلمه «قارعه» را آورد، تا باز هم امر قیامت را بزرگ جلوه دهد و به‌واسطه این تصور، موجب تشدید در اثرگذاری احساسی می‌شود و یا به تصویر کشیدن طغیان و سرپیچی از اطاعت و ناسازگاری به‌واسطه واژگان «صرصر» به‌معنای بادی سخت سرد و بسیار تند؛ و کلمه «عاتیه» از مصدر «عتو» در آیه «وَ أَمَّا عَادٌ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ» (الحاقه: ۶) و نمایش تسلط بر قوم عاد با تصویرسازی از عذاب در آیه «سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعِجَازٌ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ» (الحاقه: ۷)، با به کار بستن کلمه "حسوم" از ماده "حسم"، به‌معنای داغ کردن مکرر چند بار پشت سر هم، به زیبایی احساس حقارت و ضعف آنها را به تصویر کشیده‌است، زیرا این کلمه صفت برای کلمه «سبع» است و تسخیر به‌واسطه باد صرصر چنین معنا می‌دهد: خداوند متعال باد صرصر را در هفت شب و هشت روز پشت سرهم بر آنان

مسلط کرد و تو (اگر بودی) آن مردم را می‌دیدى که مانند ریشه‌های توخالی درخت خرما به زمین افتاده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۶۵۶). آیه «تکون الْجِبَالِ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» (القارعة: ۵) احساس وحشت در روز قیامت را با تشبیه کوه‌ها به پشم زده شده به تصویر می‌کشد زیرا مراد از تشبیه، بیان حال مشابه است؛ یعنی کوه‌ها از ترس و هول آن روز قیامت به این صورت در می‌آیند. واژه «صاخّة» با آهنگی تند و گوش‌خراش، در آیه «فاذا جائت الصاخّة» (عبس: ۳۳)، صحنه‌ای وحشت‌انگیز را از روز قیامت به تصویر می‌کشد. در آیات بعدی (تا آیه ۳۷) این سوره، گریختن آدمی از نزدیکانش، تصویری را از احساس پریشانی و بیم و هراس آدمی برای نجات خودش ترسیم می‌کند که در آن از شدت ترس، عزیزانش را فراموش کرده و فقط به نجات خود مشغول می‌باشد. خداوند متعال با استفاده از اسلوب تصویرپردازی در قرآن کریم، با خلق تصاویری پویا و متحرک، حرکات سریع و متوالی که پرورش‌دهنده احساس است، خواننده را با خود همگام کرده و توانسته به‌خوبی مضامین عالی را به‌صورت صحنه‌هایی زیبا، شگفت‌انگیز و بی‌نظیر با استفاده از جلوه‌هایی ملموس، قابل درک و تبیین کند. تصویرهای قرآنی، تأثیرپذیری احساسی را به اوج می‌رساند و پنجره‌های روح و جان را برای پذیرش معارف دین گشوده و چون درک بهتری را به وجود می‌آورد، دل‌ها را آماده دریافت و پذیرش بهتر محتوای معرفت دینی می‌کند.

• جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مجموع آنچه بیان شد، مطالب زیر قابل استنباط است:

۱. بیان آموزه‌های معرفتی دین با رویکرد اثرگذاری احساسی، یکی از راهبردهای اصلی و اساسی بیان معارف قرآنی می‌باشد. هدایت بخشیدن از مسیر آیات قرآن می‌تواند به‌واسطه اثرگذاری در بینش، نگرش، انگیزش و یا کنش مخاطب به فعلیت برسد و اثرگذاری احساسی در تمامی این عرصه‌ها نقش آفرین است.
۲. انسان به‌طور طبیعی می‌کوشد تا به‌واسطه بهره‌گرفتن از حواس ظاهری به درک صحیح و کارآمدی از مفاهیم برسد و به‌واسطه گونه‌شناسی، شناخت بخش‌ها و عبارات اثرگذار احساسی در قرآن تسهیل گشته و این شناخت، زمینه‌ساز هدایت

دل‌های مردم و توجه به مضمون آیات شده که موجب دعوت انسان به پذیرش ایمان، رعایت تقوا و قبول اطاعت از خداوند متعال است.

۳. پرورش احساسات به معنای مهیا نمودن آمادگی درونی انسان به واسطه ایجاد نوعی رقت قلب است و هدف‌گذاری احساس پرورش یافته، به واسطه تصویرسازی احساسی آیات در قرآن کریم، ظهور و بروز مؤثرتری در شکل‌گیری واکنش‌ها و روحيات جسمانی دارد. به این معنی که اثرپذیری و پرورش احساس در انسان، مقدمه‌ای برای درک موضوعات و اقناع بهتر اندیشه خواهد شد و پذیرش آموزه‌های دینی را سهل‌تر می‌کند.

۴. گونه‌های بخش‌های برجسته احساسی در قرآن کریم بسیار متنوع بوده و عناوین مختلفی مانند: احساس محبت، رحمت و مهربانی، حسرت، شرمساری و پشیمانی، هیجان و شور، اضطراب، خوف و ترس، امید و اعتماد، خوشبینی، شادی، غم، تعجب، تحسین، شکر و سپاس، تقدیر، حسرت، نیاز، احترام، رضایت و قناعت، نفرت، خشم و عصبانیت و تواضع را شامل شده‌است که در تبیین و نشر آموزه‌های الهی نقش محوری دارند و به‌منظور اثرگذاری دینی بر بعد اندیشه و باور مخاطبان در قرآن کریم آمده است.

۵. در حقیقت هر کدام از حیطه‌های فقهی، کلامی، ادبی، تاریخی و علمی قرآن را می‌توان با بهره‌گیری از گونه‌شناسی بخش‌های احساسی در قرآن کریم مورد مطالعه قرار داد، از این رو رد پای گفتمان احساسی خداوند متعال در سایر موضوعات و علوم مرتبط با قرآن مشهود خواهد بود.

۶. بیان احساسی قرآن کریم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به صفات و افعال خداوند متعال نسبت داده شده، به حالات و روحيات انسان‌ها اشاره کرده و برای بیان سرنوشت و روایت سرگذشت پیشینیان نیز به کار رفته است. آهنگ کلمات، نحوه توصیف صحنه، نوع استفاده از تکرار واژگان همه و همه از عناصر اثرگذاری احساسی در کلام‌اند.

۷. مطالعه و بررسی بیان احساسی قرآن، می‌تواند به گفتگوی بین ادیان و تمدن‌ها نیز کمک کند.

• منابع

*قرآن کریم.

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲. ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ ق). *التسهیل لعلوم التنزیل*. بیروت: شرکت دارالأرقم بن اَبی الأرقم.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۴. ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۵ ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دارالفکر.
۵. بستانی، محمود (۱۴۱۳ ق). *الاسلام و علم النفس*. بیروت: مجتمع البحوث الاسلامیة للدراسات و النشر.
۶. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۶). *فرهنگ ابجدی الفبایی عربی-فارسی؛ ترجمه کامل المنجد الابجدی*. ترجمه رضا مهیار. تهران: چاپ اسلامی.
۷. بنت الشاطی، عایشه بنت الرحمن (۱۳۷۶). *اعجاز بیانی قرآن*. ترجمه حسین صابری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۳۱۰ق). *المطول فی شرح تلخیص المفتاح*. تهران: چاپ افست.
۹. تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق). *تفسیر التستری*. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون
۱۰. حسینی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۸). *دراسة فی علم النفس الاسلامی*. ترجمه ناصر نجفی. تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ابوالفضل (۱۳۹۷). مقایسه جایگاه احساسات و عواطف در تربیت اخلاقی در رویکرد دل‌مشغولی و آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. ۱۵(۴). صص ۶۶-۱۰۱. DOI: 10.22051/tqh.2019.21873.2142
۱۱. حقانی، حسین (۱۳۸۵). *علم النفس اسلامی و بررسی نظریات دانشمندان*

- عرب. تهران: دانشگاه الزهرا.
۱۲. خفاجی، محمدبن عبدالنعم(بی تا). *دراسات فی النقد العربی الحدیث و مذاهبه*. مصر: دارالطباعة المحمدية.
۱۳. دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۳). *فرهنگ لغت دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ قرآن*. بیروت: دارالشافیة.
۱۵. راغب، عبدالسالم احمد(۱۳۸۷). *کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم*. ترجمه سیدحسین سیدی. تهران: انتشارات سخن.
۱۶. فخر رازی، محمدبن عمر(۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۷. سکاکی، یوسف(۱۴۲۰ق). *مفتاح العلوم*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۸. الصالح، صبحی ابراهیم(۱۳۷۲). *مباحث فی علوم القرآن*. چاپ پنجم. قم: الشریف الرضی.
۲۰. الشربینی، لطفی (۱۴۰۲). *تأملات فی الاشارات النفسیة فی القرآن (تأملی در پیام های روان شناختی قرآن)*. ترجمه الهه شاکری نصرآبادی. تهران: عاصم.
۲۱. صالح زاده، عباس(۱۳۹۰). *تصویرگری در قرآن. پرتال فرهنگ راسخون*.
<https://rasekhoon.net/article/show/207435>
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین(۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه اعلمی.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن(۱۴۰۸ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفة
۲۴. طوسی، محمدبن حسن(بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۵. عاطف الزین، سمیح(۱۴۱۱ق). *معرفة النفس الإنسانیة فی الكتاب و السنة*. بیروت: دار الكتاب اللبنانی.
۲۶. عاقل، فاخر(۱۹۵۵م). *علم النفس العام*. دمشق: مطبعة الجامعة السوریة.

- ۲۷ عرفت‌پور، زینت (۱۳۹۴). *تصویرپردازی هنری در قرآن کریم؛ با تکیه بر سوره‌های دهر، مثر، ق، مرسلات، مطففین*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۸ فاروقی هندوالان، جلیل‌اله؛ آسوده، زهره و حقدادی، عبدالرحیم (۱۳۹۳). انتقال معنی از طریق تصویرسازی ذهنی در جزء سی‌ام قرآن کریم. *نگارینه هنر اسلامی*. ۱(۱). صص ۵۹-۶۷. DOI: [10.22077/mia.2014.554](https://doi.org/10.22077/mia.2014.554)
- ۲۹ فاضلی، محمد (۱۳۸۲). *شیوه‌های بیان قرآن کریم*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۳۰ فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳). *درباره ادبیات و نقد ادبی*. تهران: امیرکبیر.
- ۳۱ قاسمی، حمید محمد (۱۳۸۶). *جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن. صحیفه مبین*. شماره ۴۰، صص ۷۵-۵۹.
- ۳۲ القذافی، رمضان محمد (۱۹۹۹). *علم النفس فی الاسلام*، طرابلس، لیبیا: جمعية الدعوة الاسلامية العالمية.
- ۳۳ قطب، سیدابراهیم حسین (۱۴۰۸ق). *فی ظلال القرآن*. چاپ ۱۵ پانزدهم. بیروت: دارالشروق.
- ۳۴ کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۶۹). *بدایع الافکار و صنایع الاشعار*، تهران: چاپ میرجلال‌الدین کزازی.
- ۳۵ کاویانی ارانی، محمد (۱۳۹۴). احساس و ادراک از دیدگاه قرآن. *انسان پژوهی دینی*. ۱۲(۳۴). صص ۷۱-۹۵.
- ۳۶ کارلسون، نیل (۱۴۰۲). *مبانی روان‌شناسی فیزیولوژیک*. ترجمه: مهرداد پژوهان. تهران: ارکان دانش.
- ۳۷ مصباح‌یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴). *اخلاق در قرآن*. تنظیم: محمدحسین اسکندری. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمينی (قدس سره)
- ۳۸ معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱). *علوم قرآنی*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- ۳۹ معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ معین*. تهران: آدنا کتاب راه نو.

- ۴۰ مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۵). *التفسیر المبین*. قم: دار الکتب الاسلامی.
- ۴۱ میرشکاری، جواد (۱۳۹۶). گروه واژه‌گزینی. *فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*. دفتر دوازدهم. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۴۲ نجاتی، محمد عثمان (۱۳۶۸). *قرآن و روان‌شناسی*. ترجمه عباس عرب. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۴۳ هاشمی، احمد (۱۳۹۵). *جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع*. تهران: بلاغت.

- 44 .Plutchik, Robert. 2002, *Emotions and Life: Perspectives from Psychology, Biology, and*
- 45 . *Evolution*, Washington, DC: American Psychological Association
- 46 . verywellmind.com/what-are-emotions-2795178.



Resources

- The Holy Quran. (In Arabic)
- 1. Ālūsī, Maḥmūd ibn ‘Abd Allāh. (1995). *Rūḥ al-Ma‘ānī fī Tafṣīr al-Qur’ān al-‘Azīm wa al-Sab‘ al-Mathānī*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyyah. (Original work published 1415 AH). (In Arabic)
- 2. Ibn Juzzī, Muḥammad ibn Aḥmad. (1996). *Al-Tashīl li-‘Ulūm al-Tanzīl*. Beirut: Shirkat al- Dār al-Arqam ibn Abī al-Arqam. (Original work published 1416 AH). (In Arabic)
- 3. Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. (1988). *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī. (Original work published 1408 AH). (In Arabic)
- 4. Abū Ḥayyān, Muḥammad ibn Yūsuf. (2004). *Al-Baḥr al-Muḥīṭ fīl-Tafṣīr*. Beirut: Dār al-Fikr. (Original work published 1425 AH). (In Arabic)
- 5. Bustānī, Maḥmūd. (1993). *Al-Islām wa ‘Ilm al-Nafs*. Beirut: Majma’ al-Buḥūth al-Islāmīyyah li-l-Dirāsāt wa al-Nashr. (Original work published 1413 AH). (In Arabic)
- 6. Bustānī, Fu’ād Afrām. (1997). *Farhang-e Abjadī Alefbā-yī ‘Arabī-Fārsī; Tarjumah-e Kāmīl al-Munjid al-Abjadī* (Riḍā Mahyār, Trans.). Tehran: Chāp-e Islāmī. (Original work published 1376 SH). (In Persian)
- 7. Bint al-Shāṭi’, ‘Ā’ishah bint ‘Abd al-Raḥmān. (1997). *Ijāz-e Bayānī-yi Qur’ān* (Ḥussein Ṣābirī, Trans.). Tehran: Sherkat-e Intishārāt-e ‘Ilmī va Farhangī. (Original work published 1376 SH). (In Persian)
- 8. Taftāzānī, Mas‘ūd ibn ‘Umar. (1893). *Al-Muṭawwal fī Sharḥ-e Talkhīṣ al-Miftāḥ*. Tehran: Chāp-e offset. (Original work published 1310 AH). (In Arabic)
- 9. Tustarī, Sahl ibn ‘Abd Allāh. (2002). *Tafṣīr al-Tustarī*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyyah, Manshūrāt Muḥammad ‘Alī Bayḍūn. (Original work published 1423 AH). (In Arabic)
- 10. Hosseini, Seyyed Abūl-Qāsim. (2019). *Dirāsah fī ‘Ilm al-Nafs al-Islāmī* (Nāṣir Najafī, Trans.). Tehran: Bunyād-e Pazhūhish’hā-ye Islāmī. (Original work published 1398 SH). (In Persian)
- 11. Hoseini Mohamadabad, S. A., Rostami, M. and Ghaffari, A. (2019). The Position of “Emotions” in Moral Education from Point of View of “Caring Approach” and “Qur’anic Ethical Teachings”; a Comparative Study. *Researches of Quran and Hadith*

- Sciences*, 15(4), 66-101. doi: 10.22051/tqh.2019.21873.2142(In Persian)
12. Haqqani, Husayn. (2006). *Islamic Psychology and a Review of Western Scholars' Theories*. (*Ilm al-Nafs-i Islāmī va Barrasī-yi Nazariyāt-i Dānishmandān-i Gharb*.) Tehran: Al-Zahra University. (In Persian)
 13. Khafājī, Muḥammad ibn ‘Abd al-Na‘īm. (n.d.). *Dirāsāt fī al-Naqd al-‘Arabī al-Ḥadīth wa Madhāhibih*. Egypt: Dār al-Ṭibā‘ah al-Muḥammadīyyah. (In Arabic)
 14. Dehkhudā, ‘Alī Akbar. (1994). *Farhang-e Lughat-e Dehkhudā*. Tehran: Intishārāt-e Dānishgāh-e Tehrān. (In Persian)
 15. Rāghib al-İsfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. (1992). *Mufradāt Alfāz al-Qur‘ān*. Beirut: Dār al-Shāfi‘ah. (Original work published 1412 AH). (In Arabic)
 16. Rāghib, ‘Abd al-Salām Aḥmad. (2008). The Function of Artistic Imagery in the Holy Quran (Kārikard-i Taṣvīr-i Hunarī dar Qur‘ān-i Karīm) (S. Ḥ. Sayyidī, Trans.). Tehran: Intishārāt-i Sukhan. (Original work published 1387 SH). (In Persian)
 17. Fakhr al-Rāzī, Muḥammad ibn ‘Umar. (1999). *Al-Tafsīr al-Kabīr (Maḥāṣin al-Ghayb)*. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. (Original work published 1420 AH). (In Arabic)
 18. Sakkākī, Yūsuf. (1999). *Miftāḥ al-‘Ulūm*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah. (Original work published 1420 AH). (In Arabic)
 19. Šālih, Šubḥī Ibrāhīm. (1993). *Mabāḥith fī ‘Ulūm al-Qur‘ān* (5th ed.). Qom: al-Sharīf al-Raḍī. (In Arabic)
 20. Al-Sharbīnī, Luṭfī. (2023). *Ta‘ammulāt fī al-Ishārāt al-Nafsīyyah fī al-Qur‘ān (Ta‘ammulī dar Payām’hā-ye Ravān-shinākhtī-ye Qur‘ān)* (Ilhā Shākīrī Naṣrābādī, Trans.). Tehran: ‘Āṣim. (In Persian)
 21. Šālih’zādah, ‘Abbās. (2011). *Taṣvīrgārī dar Qur‘ān*. Portal-i Farhang-i Rāsikhūn. Retrieved from <https://rasekhoon.net/article/show/207435> (In Persian)
 22. Ṭabāṭabā’ī, Seyyed Muḥammad Ḥussein. (1996). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur‘ān*. Beirut: Mu’assasat al-‘Alamī. (Original work published 1417 AH). (In Arabic)
 23. Ṭabrisī, Faḍl ibn Ḥasan. (1987). *Majma‘ al-Bayān fī Tafsīr al-Qur‘ān*. Beirut: Dār al-Ma‘rifah. (Original work published 1408 AH). (In Arabic)

24. Tūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. (n.d.). *Al-Tibyān fī Tafṣīr al-Qurʾān*. Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī. (In Arabic)
25. ʿĀtif al-Zayn, Samīh. (1991). *Maʿrifat al-Nafs al-Insānīyyah - fīl- Kitāb wa al-Sunnah*. Beirut: Dār al-Kitāb al-Lubnānī. (Original work published 1411 AH). (In Arabic)
26. ʿĀqil, Fākhir. (1955). *ʿIlm al-Nafs al-ʿĀmm*. Damascus: Maṭbaʿat al-Jāmiʿah al-Sūrīyyah. (In Arabic)
27. ʿOrfatpour, Zinat. (2015). Artistic Imagery in the Holy Quran; With an Emphasis on Surahs Dahr, Muddatthir, Q, Mursalāt, Muṭaffifīn (Taṣvīrpardāzī-e Hunarī dar Qurʾān-e Karīm; bā Tekīyeh bar Sūrahʾ hā-ye Dahr, Muddatthir, Q, Mursalāt, Muṭaffifīn). Tehran: Pazhūhishgāh-i ʿUlūm-e Insānī va Muṭālaʿāt-e Farhangī. (Original work published 1394 SH). (In Persian)
28. Faroughi, J. A., Asoudeh, Z. and Haghdadi, A. (2014). Meaning Transmission in Part 30 of the Holy Quran through Mental Imagery. *Negarineh Islamic Art, 1*(1), 59-68. doi: 10.22077/nia.2014.554 (In Persian)
29. Fādilī, Muḥammad. (2003). Methods of the Expression of the Holy Qurʾān (Shīvahʾ hā-ye Bayān-e Qurʾān-e Karīm). Mashhad: Intishārāt-e Dānishgāh-i Ferdawsī. (Original work published 1382 SH). (In Persian)
30. Farshīdvard, Khusraw. (1984). *Darbārah-yi Adabīyāt va Naqd-i Adabī*. Tehran: Amīr Kabīr. (In Persian).
31. Farshīdvard, Khusraw. (1984). On Literature and Literary Criticism (Darbāreh-ye Adabīyāt va Naqd-e Adabī). Tehran: Amīr Kabīr. (Original work published 1363 SH). (In Persian)
32. Qāsemī, Ḥamīd Muḥammad. (2007). Jelvehʾ hā-yī az Hunar-e Taṣvīrāfarīnī dar Qurʾān. *Ṣaḥīfah-ye Mubīn*, (40), 59–75. (In Persian)
33. Al-Qadhdhāfi, Ramaḍān Muḥammad. (1999). *ʿIlm al-Nafs fīl-Islām*. Ṭarābulis, Lībiyā: Jamʿīyat al-Daʿwaht al-Islāmīyyat al-ʿĀlamīyyah. (In Arabic)
34. Quṭb, Sayyid Ibrāhīm Ḥusayn. (1988). *Fī Zilāl al-Qurʾān* (15th ed.). Beirut: Dār al-Shurūq. (Original work published 1408 AH). (In Arabic)
35. kavayani arani, M. (2016). A Quranic Study on Sensation and Perception. *Religious Anthropology, 12*(34), 71-95. (In Persian)

36. Carlson, N. R. (2023). *Foundations of Physiological Psychology (Mabānī-yi Ravān-shināsī-ye Fīzyūlūzhik)* (M. Pazhohān, Trans.). Arkān-e Dānish. (In Persian)
37. Meṣbāḥ Yazdī, Muḥammad Taqī. (2015). *Akhlāq dar Qur'ān* (M. Ḥ. Iskandarī, Ed.). Qom: Mu'assasah-ye Āmūzishī va Pazhūheshī Imām Khomeinī (Quds Sirruh). (In Persian)
38. Ma'refat, Muḥammad Hādī. (2002). *Ulūm-e Qur'ānī*. Qom: Mu'assasah-ye Farhangī-ye Intishārāte al-Tamhīd. (In Persian)
39. Mu'īn, Muḥammad. (2002). *Farhang-e Mu'īn*. Tehran: Ādinah Kitāb-e Rāh-e Now. (In Persian)
40. Mughnīyah, Muḥammad Jawād. (2004). *Al-Tafsīr al-Mubīn*. Qom: Dār al-Kitāb al-Islāmī. (Original work published 1425 AH). (In Arabic)
41. Mīrshakarī, J. (2017). *Farhang-e vāzah'hā-ye moṣavvab-e Farhangestān: Gorūh-e vāzah-gozīnī* (Daftar-e davāzdahom) [Dictionary of approved words by the Academy: Terminology Selection Group (Volume 12)]. Tehran: Intishārāt-e Farhangistān-e Zabān va Adab-e Fārsī. (In Persian)
42. Najātī, Muḥammad 'Uthmān. (1989). *Qur'ān va Ravān-shināsī* [The Quran and Psychology] ('Abbās 'Arab, Trans.). Mashhad: Āstān-e Quds-e Raḍavī. (Original work published 1368 SH). (In Persian)
43. Hāshemī, Aḥmad. (2016). *Jawāhir al-Balāghah fīl-Ma'ānī wa al-Bayān wa al-Badī'*. Tehran: Balāghat. (Original work published 1395 SH). (In Persian)
44. Plutchik, R. (2002). *Emotions and Life: Perspectives from Psychology, Biology, and Evolution*. Washington, DC: American Psychological Association. (In English)
45. Cherry, K. (n.d.). *What Are Emotions?* Verywell Mind. Retrieved from <https://www.verywellmind.com/what-are-emotions-2795178>